

اَسْمَاءُ اللَّهِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوَيْكَةِ الْفُرَجِ وَالْعَافِيَةَ وَالنُّصْرَةَ

وَجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ اَصْحَابِهِ وَاَعْوَانِهِ وَالْمُسْتَشْفَعِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی در رویه قضائی

شامل:

قانون اجرای احکام مدنی

قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی

قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی

قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداری‌ها

آیین نامه طرز اجراء آراء قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۶ قانون کار

آیین نامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی

به انضمام:

نظریات مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه

نظریات مشورتی قضات دادگستری کل استان تهران

آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

بخشنامه‌های قوه قضاییه

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی در رویه قضائی شامل...: به انضمام نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه، آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، بخشنامه‌های قوه قضائیه/تهیه و تدوین یاسر فرج‌وند.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۵۸-۴۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: اجرای حکم--ایران
موضوع	: قانون مدنی --ایران
شناسه افزوده	: فرج‌وند، یاسر، ۱۳۶۹ -، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ آ/ت/۲۷۹ KMH
رده بندی دیویی	: ۵۵۰۷۷/۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۷۹۸۰۲

مجموعه قوانین و مقررات اجرای احکام مدنی در رویه قضایی



انتشارات کتاب آوا

تألیف و تدوین	یاسر فرج‌وند
ناشر	کتاب آوا
نوبت چاپ	دوم ۱۳۹۷
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۲۰۰۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۵۸-۴۵-۵

دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴، واحد ۴

شماره‌های تماس: ۰۶۶۹۷۴۶۴۵، ۰۶۶۹۷۴۱۳۰، ۰۶۶۴۰۷۹۹۳

www.avabook.com avabook_kazemi@yahoo.com

آدرس فروشگاه: اسلام شهر، خیابان صیاد شیرازی، جنب فرمانداری

تلفن: ۵۶۳۵۴۶۵۱

کلیه حقوق و حق چاپ متن، کپی‌برداری، طرح روی جلد و عنوان کتاب، با توجه به قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان برای انتشارات کتاب آوا محفوظ است و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مقدمه مؤلف

حمد و سپاس خداوند یکتا را که توفیق عنایت فرمود کتاب حاضر را به پایان برسانم. هدف عمده‌ی تدوین مجموعه‌های قوانین، گردآوری قواعد و مقرراتی است که طبع و منشاء مشترک دارند و ارتباط آنها همانند یک مجموعه به یکدیگر وابسته‌اند.

تألیف کتاب حاضر در جهت تسهیل مراجعه به قوانین اجرای احکام مدنی و رویه قضایی حاکم بر نحوه‌ی چگونگی اجرای آراء مدنی دادگاه‌ها توسط دواير اجرای احکام مدنی دادگستری‌ها می‌باشد. متأسفانه بعضاً مشاهده می‌شود که مجموعه‌نویسان قوانینی را در کنار یکدیگر می‌آورند که هیچ ارتباط و منشاء مشترکی با یکدیگر ندارند که این بی‌ارتباطی و پراکندگی و عدم توجه کافی به تدوین علمی قوانین مرتبط با یکدیگر موجب سرگردانی قضات، وکلای دادگستری و دانشجویان عزیز شده است.

با توجه به اینکه در دعاوی مدنی (حقوقی) بخش نخست را مرحله رسیدگی اعم از بدوی، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی تشکیل می‌دهد و بعد از رسیدگی و اصدار رأی توسط دادرسان محترم و قطعیت آن، پرونده با تقاضای محکوم‌له وارد مرحله جدیدی به نام مرحله‌ی اجرای احکام مدنی می‌شود که به جرأت می‌توان گفت اگر مرحله‌ی اجرای احکام مدنی دشوارتر از مرحله‌ی رسیدگی و اصدار رأی نباشد آسان‌تر نیست و دلیل این ادعا هم، همین کافی که پرونده‌های بسیاری در محاکم قضایی وجود دارد که چندین سال است وارد مرحله‌ی اجرای احکام مدنی شده‌اند ولی منتج به اجرای کامل مفاد دادنامه نشده‌اند و یا بسیاری از آراء صادره توسط دادرسان محترم که قابلیت اجرایی کامل را ندارند.

اجرای حکم هدف نهایی دادرسی است. به دیگر سخن وقتی حق یا حقوقی از شخصی تضییع می شود با مراجعه به محکمه انتظار دارد به آنچه که از دست داده برسد و صرف صدور رأی مقصود او را تأمین نمی کند و اگر رأی دادگاه به اجرای کامل منتهی نشود به نوعی می توان گفت اجرای عدالت تحقق نیافته است. بنابراین اجرای مفاد رأی از جهت تحقق عدالت اهمیت ویژه ای دارد و می توان گفت ماحصل کار دستگاه قضایی در اجرای احکام صادره تجلی می یابد. برای اطلاع از انگیزه و فایده ی تدوین این مجموعه توجه علاقه مندان را به چند نکته جلب می نمایم:

۱- نظر به پیچیدگی و فنی بودن اجرای آراء حقوقی و محدود بودن قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱، مقنن قوانین و مقررات دیگری را در کنار قانون مذکور وضع کرده است که با قانون اجرای احکام مدنی دارای منشاء مشترک بوده و مرتبط با آراء حقوقی می باشند که لازم دیدم این قوانین و مقررات پراکنده را در یک مجموعه گردآوری نمایم تا موجبات دسترسی آسان قضات مجری، مدیران و دادورزان دوایر اجرای احکام مدنی را فراهم سازم.

۲- با التفات به اینکه در مرحله اجرای احکام مدنی سئوالات بسیاری در خصوص چگونگی نحوه ی اجرای آراء صادره توسط دادگاه ها برای مسئولین، مدیران و دادورزان محترم اجرای احکام مدنی پیش می آید که قانون اجرای احکام مدنی به طور صریح و شفاف به آنها پاسخ نداده است و یا در مورد موضوعاتی خاص قوانین خاصی وضع شده است که به ناچار باید به این قوانین خاص و یا رویه قضایی مراجعه کرد. «منتها، رویه قضایی را با رأی دادگاه نباید اشتباه کرد. رویه قضایی قاعده ای است که از رسم پا گرفته ی محاکم هنگام روبرو شدن با مسأله ی ویژه ای استنباط می شود و رأی دادگاه تنها زمینه ی این کاوش است.»^۱

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی و یکم، انتشارات میزان، سال ۱۳۹۰، ص ۱۷

۳- از دیگر اهداف تدوین این مجموعه کمک به فهم و درک بهتر قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ و دیگر قوانین مرتبط با قانون اجرای احکام مدنی برای داوطلبان آزمون‌های حقوقی اعم از قضاوت، وکالت و کارشناسی ارشد با گرایش حقوق خصوصی که یکی از منابع آزمون‌های مذکور قانون اجرای احکام مدنی می‌باشد.

در این مجموعه سعی شده است ذیل هر ماده‌ی قانونی آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، آراء اصراری شعب دیوان عالی کشور، نظریات مشورتی اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه، نظریات مشورتی قضات دادگستری استان تهران و بخشنامه‌های قوه قضائیه آورده شود.

در خاتمه، بر خود لازم می‌دانم بدین وسیله از تمام اساتید گران قدرم به جهت زحماتی که برای اینجانب متحمل شده‌اند و همچنین از آقای حمید کاظمی مدیریت محترم انتشارات کتاب آوا که در انتشار این کتاب تسهیلاتی فراهم نمودند و از آقای مهدی حسینی شفیق که در امر طراحی و صفحه‌آرایی همکاری ارزنده‌ای مبذول داشته‌اند تقدیر و تشکر نمایم و موفقیت روز افزون همه‌ی این بزرگواران را از خداوند متعال مسئلت دارم و از تمام اساتید، حقوقدانان، قضات، وکلاء، دانشجویان و تمام صاحب نظرانی که وجهه همت خویش را اجرای عدالت قرار داده‌اند انتظار می‌رود بنده را از نظریات، پیشنهادات و راهنمایی‌های خود بهره‌مند سازند.^۱

یاسر فرج‌وند

زمستان ۱۳۹۱

فهرست مطالب

بخش اول: قانون اجراء احكام مدنی	۱۱
فصل اول - قواعد عمومی	۱۱
مبحث اول - مقدمات اجراء	۱۱
مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجراء)	۱۸
مبحث سوم - ترتیب اجراء	۱۹
فصل دوم - توقیف اموال	۳۸
مبحث اول - مقررات عمومی	۳۸
مبحث دوم - در توقیف اموال منقول	۴۳
مبحث سوم - صورت برداری اموال منقول	۴۶
مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول	۴۷
مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده	۴۹
مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است	۵۱
مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین	۵۳
مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول	۵۸
مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول	۶۲
مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول	۶۳
فصل سوم - فروش اموال توقیف شده	۶۳
مبحث اول - فروش اموال منقول	۶۳
مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول	۷۰
فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث	۷۴
فصل ششم - حق تقدم	۷۸
فصل هفتم - تأدیه طلب	۸۰
فصل هشتم - هزینه های اجرائی	۸۲
فصل نهم - احكام و اسناد لازم الاجراء کشورهای خارجی	۹۰
قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیر منقول متعلق به شهرداری ها مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴	۹۵

قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین وتوقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵.....	۹۶
قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱ با اصلاحات بعدی ۱۰۱.....	۱۰۱
آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده ۶ «قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات بعدی ۱۱۹.....	۱۱۹
بخش دوم: سایر محکومیت‌های مالی ۱۲۳.....	۱۲۳
از قانون کار ۱۲۷.....	۱۲۷
آیین‌نامه طرز اجراء آراء قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده (۱۶۶) قانون کار ۱۳۱.....	۱۳۱
آیین‌نامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی ۱۳۳.....	۱۳۳
فصل اول- تعاریف ۱۳۳.....	۱۳۳
فصل دوم- صدور اجرائیه ۱۳۵.....	۱۳۵
فصل سوم- ابلاغ ۱۳۹.....	۱۳۹
فصل چهارم- ترتیب اجراء ۱۴۲.....	۱۴۲
فصل پنجم- بازداشت اموال منقول ۱۴۶.....	۱۴۶
فصل ششم- بازداشت اموال نزد شخص ثالث ۱۵۲.....	۱۵۲
فصل هفتم- بازداشت اموال غیرمنقول ۱۵۵.....	۱۵۵
فصل هشتم- ارزیابی ۱۵۸.....	۱۵۸
فصل نهم- در وثیقه ۱۶۰.....	۱۶۰
فصل دهم- در مزایده ۱۶۴.....	۱۶۴
فصل یازدهم- تخلیه و ختم عملیات اجرائی ۱۷۰.....	۱۷۰
فصل دوازدهم- هزینه‌های اجرائی ۱۷۲.....	۱۷۲
فصل سیزدهم- شکایت از عملیات اجرائی و طرز رسیدگی به شکایات ۱۷۵.....	۱۷۵
فصل چهاردهم- امور متفرقه ۱۷۶.....	۱۷۶

بخش اول

قانون اجراء احكام مدنی^۱

مصوب ۱۳۵۶/۸/۱

فصل اول - قواعد عمومی

مبحث اول - مقدمات اجراء

ماده ۱- هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجراء گذارده نمی‌شود مگر این که قطعی شده یا قرار اجراء موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد.

○ نظریه شماره ۷/۱۹۵۲ مورخ ۱۳۷۴/۵/۱۶:

مقررات قانون اجراء احکام مدنی و آیین‌نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از حیث مراجع تصویب و مجریان با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک از این مقررات کاربرد مخصوص خود را داشته و در مراجع متفاوت قابل اعمال و اجراء می‌باشند و استفاده از مقررات مربوطه به اجراء اسناد رسمی در اجراء احکام مدنی و بالعکس که مقررات خاص خود را دارند توجیه قانونی ندارد.

○ نظریه شماره ۷/۱۷۶۲ مورخ ۱۳۷۸/۶/۱:

با عنایت به بند «۳» ماده ۲۲ و بند «۳» ماده ۳۱ قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب مهرماه ۱۳۴۳، اماکن مأموریت (نماینده‌گی‌های سیاسی) و مأمورین سیاسی و اموال آن‌ها از اقدامات اجرائی نیز مصونیت دارند و موارد مستثنی از این مصونیت در پیمان‌های بین‌المللی مذکور در بخش‌نامه شماره ۳۸۰۱۷ را مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۰ شورای عالی قضایی سابق، مانند شق‌های الف و ب و ج بند «۱» ماده ۳۱ قانون مارالذکر تصریح شده است.

۱. نظریه شماره ۷/۷۶۵۲ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۰ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه:
اجرای احکام، چون بر اساس مقررات آیین دادرسی صورت می‌گیرد، تابع قانون حاکم در زمان اجراء می‌باشد. بنابراین اگر حکمی قبلاً صادر شده ولی اجراء نگردیده است، اجراء آن بر طبق مقررات جاری در زمان اجراء خواهد بود.

بنا به مراتب مزبور، در مورد قسمت اول اجرائیه (پرداخت حق السعی) برای حفظ حقوق ذی نفع و رعایت اصول و نزاکت بین المللی، واحد اجراء احکام مدنی می تواند اوراق مربوط را از طریق این اداره کل به اداره نمایندگی های خارجی وزارت امور خارجه ارسال دارد تا از آن طریق با رعایت مصالح عالیه کشور نسبت به وصول و ایصال مبلغ مورد اجرائیه اقدام لازم به عمل آید لکن قسمت دوم اجرائیه یعنی الزام سفارت کشور فرانسه به اعاده به کار محکوم له به لحاظ مصونیت نمایندگی سیاسی مذکور از اقدامات اجرائی، قابل اجراء به نظر نمی رسد توضیح این که طبق یکی از اصول مسلم و متعارف بین المللی هر کشوری می تواند از پذیرش نماینده سیاسی کشور دیگر که نامطلوب یا غیرقابل قبول تشخیص دهد خودداری کند سفارتخانه نیز گرچه قسمتی از خاک آن کشور تلقی نمی شود، از این مصونیت و امتیاز برخوردار است و لذا نمی توان اشتغال شخصی را که از نظر آن سفارت نامطلوب یا غیرقابل قبول است به آن نمایندگی سیاسی تحمیل کرد اگر این اصل و رفتار متعارف بین المللی نقض شود باید منتظر عواقب نامطلوب ناشی از رفتار متقابل آن بود، زیرا ممکن است در آن کشور نیز اشتغال به کار شخص غیرقابل قبول یا نامطلوبی را به سفارت کشور ما تحمیل کنند لذا رعایت این اصل متعارف و مصونیت از تعرض، لازم است.

ماده ۲- احکام دادگاه های دادگستری وقتی به موقع اجراء گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتبا این تقاضا را از دادگاه بنماید.

○ نظریه شماره ۷/۲۵۱۹ مورخ ۱۳۶۸/۶/۱:

اگر حکمی نظیر خلع ید، له خواهان و علیه خواننده با قید پرداخت وجهی (بابت حق کسب، پیشه یا تجارت و یا دسترنج زراعی و از این قبیل) از طرف محکوم له به محکوم علیه از دادگاه صادر شود و پس از ابلاغ دادنامه محکوم له وجه مزبور را نپردازد و اجراء حکم را نیز تقاضا نکند، محکوم علیه نمی تواند برای اخذ وجه مورد حکم صدور اجرائیه یا عملیات اجرائی را در آن قسمت از حکم تقاضا کند زیرا پرداخت وجه مذکور مشروط به اجراء حکم به نفع محکوم له است.

○ نظریه شماره ۷/۵۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۲/۲۶:

احکام قطعی و لازم‌الاجرا دادگاه‌ها، مادام که به طرق قانونی نقض یا فسخ نشده است به تقاضای محکوم‌له باید اجراء شود ولو این که صحیحاً صادر نشده باشد، حکم الزام به تنظیم سند رسمی انتقال در هر حال باید اجراء شود و در این صورت دفترخانه اسناد رسمی می‌تواند با عنایت به قسمت دوم بند «۶» ناظر به بند «۴» ماده (۱۰۳) آیین‌نامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء با رفع بازداشت از ملک، سند رسمی انتقال را به نام محکوم‌له صادر و مراتب را به اجراء ثبت و متعهده اجرائیه چک ابلاغ کند تا ذی‌نفع (متعهده اجرائیه مربوط به چک) در صورت تمایل با توسل به طرق قانونی از قبیل اعتراض ثالث، اقدام قانونی معمول دارد.

ماده ۳- حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد.

○ نظریه شماره ۷/۲۰۷۸ مورخ ۱۳۷۵/۴/۴:

قطع نظر از این که دادگاه رسیدگی کننده به دعوی الزام به تنظیم سند رسمی مؤظف و مکلف بوده که وضعیت ثبتی پلاک متنازع فیه را از اداره ثبت اسناد و املاک محل استعلام و در صورت احراز مالکیت و وارد بودن دعوی مطروحه، حکم بر الزام به تنظیم سند رسمی صادر نماید حال که حسب مدلول استعلام در مقام اجراء حکم معلوم شده که پلاک مورد ادعا و موضوع حکم در مالکیت محکوم‌علیه (خواننده) مستقر نمی‌باشد لذا موضوع اجراء حکم منتفی است و هیچ مجوز قانونی جهت اجراء حکم نسبت به قطعه زمین دیگر محکوم‌علیه وجود ندارد زیرا آنچه که مورد معامله قرار گرفته پلاکی بوده که در قرارداد تنظیمی بین متبایعین و حکم دادگاه قید شده است نه پلاک دیگر.

ماده ۴- اجراء حکم با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجرائیه صادر نمی‌شود همچنین در مواردی که سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجراء حکم باید به وسیله آن‌ها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمان‌ها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجراء کنند.

○ نظریه شماره ۷/۶۲۳۱ مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۹:

رسیدگی دادگاه در حدود صلاحیت خود تابع خواسته خواهان در دادخواست است در صورتی که خواسته خواهان صرفاً اعلام فسخ سند انتقال معامله یک دستگاه وسیله نقلیه باشد برای دادگاه جز صدور حکم بر اعلام فسخ سند معامله اقدام دیگر متصور نیست، در این مورد نیز حکم دادگاه جنبه اعلامی دارد و صرف اعلام به دفترخانه کافی از جهت ثبت اعلام فسخ خواهد بود و هر یک از طرفین ذی نفع در مورد حقوق خود نسبت به اتومبیل و ثمن معامله باید دادخواست تقدیم نمایند صدور حکم بر اعلام فسخ نمی تواند موجبات توقیف اموال خواننده یا محکوم علیه را بدون این که در این مورد حکمی صادر شده باشد فراهم آورد.

○ نظریه شماره ۷/۱۱۳۱ مورخ ۱۳۶۹/۸/۷:

احکام تعدیل صادره به استناد مقررات ماده (۴) قانون روابط مؤجر و مستأجر چنانچه فقط تعدیل باشد حکم اعلامی بوده و نیاز به صدور اجرائیه ندارد ولی اگر مابه التفاوت نیز مورد صدور حکم باشد اجراء این قسمت از رأی احتیاج به صدور اجرائیه دارد.

○ نظریه شماره ۷/۱۷۱۷ مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۸:

با توجه به این که دستور موقت حکم نیست تا نیاز به صدور اجرائیه داشته باشد لذا با صدور دستور موقت و ابلاغ آن به طرف دستور موقت، باید اجراء شود و نیازی به صدور اجرائیه نخواهد بود.

○ نظریه شماره ۷/۵۰۳۳ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۱:

اجراء حکم الزام به تنظیم سند رسمی صرفاً جنبه اعلامی ندارد و چون موضوع آن انجام عمل از جانب محکوم علیه می باشد، مشمول صدر ماده ۴ قانون اجراء احکام مدنی و مستلزم صدور اجرائیه است.

○ نظریه شماره ۷/۲۶۷۴ مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۶:

صدور اجرائیه در مورد آن قسمت از خواسته که نسبت به آن رأی صادر قطعی شده است و قابل تفکیک از قسمت بعدی خواسته بوده است فاقد اشکال قانونی خواهد بود.

○ رأی شماره ۲۶/۴۱۰۷ دیوان عالی کشور:

حکم ابطال تقاضای ثبت از احکامی نیست که محتاج به صدور اجرائیه باشد.

○ نظریه قضات دادگستری استان تهران (قریب به اتفاق) مورخ ۸۱/۱۲/۷:

باتوجه به مفهوم مخالف، قسمت اخیر ماده ۴ قانون اجراء احکام مدنی و صراحت ماده یک قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲ «هرکس دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری شکایت از دستور اجرای سند رسمی داشته باشد می تواند به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی اقامه دعوی نماید.» و با توجه به اینکه برابر ماده ۶ قانون اخیرالذکر، اداره ثبت ذی نفع در قضیه مطروحه نبوده و خساراتی که مستوجب تادیه باشد متوجه اداره مذکور نیست لذا نیازی نیست که طرف دعوی قرار گیرد بنابراین طرح دعوی فقط به طرفیت متقاضی عملیات اجرایی کافی است.

نکته دیگر این که اجرای ثبت صرفاً براساس اسنادی که (مثلاً اسنادی که در مورد مطالبه مهریه) متقاضی ارائه می نماید اجرائیه صادر می نماید. اما تشخیص صحت و سقم اسناد ارائه شده با مرجع صالح قضایی است.

ماده ۵- صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.

○ نظریه شماره ۷/۶۹۲۳ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۴:

طبق ماده (۵) قانون اجراء احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ صدور اجرائیه با دادگاه بدوی است خواه حکم در مرحله تجدیدنظر تأیید یا فسخ شده و یا قسمتی از آن تأیید و قسمتی دیگر فسخ شده باشد.

○ نظریه شماره ۷/۳۲۸۶ مورخ ۱۳۷۶/۶/۲۳:

با عنایت به مفاد مواد ۵ و ۶ و ۸ قانون اجراء احکام مدنی صدور اجرائیه با دادگاه و اقدام به ابلاغ برگ اجرائیه موافق ماده ۲۵ آیین نامه اجرائی قانون اخیر التصویب با واحد ابلاغ است.

○ نظریه شماره ۷/۷۶۳۲ مورخ ۱۳۷۹/۸/۸:

اجراء احکام مراجع حل اختلاف اداره کار و امور اجتماعی، طبق ماده ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ با واحد اجراء احکام دادگستری است و طبق ماده ۴ آیین نامه طرز اجراء آراء قطعی هیأت های تشخیص و حل اختلاف، ترتیب اجراء احکام مزبور تابع احکام و مقررات اجراء احکام مربوط به دادگستری است و بنابراین صدور اجرائیه با دادگاه عمومی و اجراء حکم با واحد اجراء احکام دادگستری است.

○ نظریه شماره ۷/۹۹۱۸ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۵:

در امور حقوقی نظر به این که طبق ماده ۵ قانون اجراء احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۲۹ آیین نامه اجرائی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب تیر ماه ۱۳۷۳، صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است، هر چند که حکم موضوع اجرائیه از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد. بنابراین دادگاه تجدیدنظر پس از ابلاغ رأی باید پرونده را به منظور اجراء به دادگاه نخستین عودت دهد و مدیر دفتر دادگاه نخستین که ابلاغ اجرائیه از وظایف اوست، پس از ابلاغ اجرائیه پرونده اجرائی را به واحد اجراء احکام موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و مادتين ۲۶ و ۲۷ آیین نامه اجرائی آن قانون ارسال می دارد تا نسبت به اجراء حکم اقدام شود.

ماده ۶- در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و این که پرداخت حق اجراء به عهده محکوم علیه می باشد نوشته شده و به امضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می شود.

ماده ۷- برگ های اجرائیه به تعداد محکوم علیه به علاوه دو نسخه صادر می شود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی می گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می شود.

ماده ۸- ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه سابقه ابلاغ محسوب است.

ماده ۹- در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجرائیه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتين ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگهی می گردد و ده روز پس از آن به موقع اجراء گذاشته می شود. در این صورت برای عملیات اجرائی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم علیه لازم نیست مگر این که محکوم علیه محل اقامت خود را کتبا به قسمت اجراء اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود.

ماده ۱۰- اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود اجرائیه حسب مورد به ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می گردد و هرگاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به آنها اطلاع داده خواهد شد.

ماده ۱۱- هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه می تواند رأسا یا به درخواست هریک از طرفین به اقتضای مورد، اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرائی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجراء را بدهد.

○ به نظریه شماره ۷/۴۵۰۳ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۲۱:

اگر چه طبق ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها مصوب سال ۱۳۶۱ تأمین و توقیف و برداشت وجوه و اموال منقول و غیرمنقول متعلق به قبل از صدور حکم قطعی ممنوع است ولی نظر به این که شهرداری پس از دیدار حکم قطعی لازم الاجرا از اجراء حکم امتناع نموده و وفق مقررات اجرائیه صادر و به مرحله اجراء گذشته شده است بدیهی است که مورد از شمول ماده واحده و همچنین مقررات ماده (۱۱) قانون اجراء احکام مدنی خارج است و بنابراین صدور اجرائیه و اجراء حکم و مطالبه نیم عشر اجرائی قانونی بوده و اشکالی بر آن وارد نیست.